

در کنکور ۹۸ حدود ۱۰۸ هزار نفر بیش از سال قبل در مقطع کارشناسی شرکت کردند

چرا تنور کنکور دوباره داغ شد؟

بطحایی، وزیر سابق آموزش و پرورش: صدا و سیما مردم را به این مسابقه نابرابر دعوت می‌کند حسینی، استاد دانشگاه تهران: در اقتصاد سیاسی پول محور فرهنگ سازی بی‌معناست

رشد بیش از ۱۰هزار نفری داوطلبان کنکور سراسری ۹۸

کنکور امسال هم همچون سایر سال‌ها برگزار شد و پر بود از حواشی و اخبار صداوسیمایی که مخابره‌اش از حسینی بای برمی‌آمد و پس از پیرترین و جوان‌ترین داوطلب کنکور تا ازدواج قبل و بعد جلسه کنکور و خوابیدن سر جلسه و بسیاری از این مسائل، اما نکته قابل‌تأمل‌تر از اینها رشد قابل‌توجه تعداد داوطلبان بود. چرا این رشد تعداد داوطلبان قابل‌تأمل بود؟ کافی است کمی جست‌وجو کنید، از آخرین خبرهای مربوط به کنکور تا کنشگران فضای مجازی در مواجهه با مساله کنکور، در انتخاب علاقه به جای پول و شعارها و اظهارات خوش‌رنگ و لعابی که طرفداران بسیاری هم داشت، اما خروجی‌اش به ضرر کنکور و کنکوردوستان نبود.نشد.
امسال حدود یک‌میلیون و ۱۱۹ هزار و ۱۵ داوطلب در کنکور سراسری ثبت‌نام کردند که در قیاس با تعداد داوطلبان سال ۹۷ که یک‌میلیون و ۱۱ هزار و ۸۰۰ داوطلب بودند، رشد حدود ۱۰۸ هزار نفری نشان می‌دهد. یعنی امسال حدود ۱۰۸ هزار نفر بیشتر از سال گذشته در کنکور حاضر شدند.
۱۶۴ هزار و ۲۷۸ داوطلب از داوطلبان کنکور سراسری امسال در رشته ریاضی، ۶۳۷ هزار و ۹۴ داوطلب در رشته تجربی و ۲۸۷ هزار و ۱۵۱ داوطلب در رشته انسانی تحصیل می‌کردند.
با استناد به رشد ۱۰۸ هزار نفری تعداد داوطلبان یعنی این دوباره مصداقی است برای تایید همان جمله مقدمه گزارش که گویا همچنان راهی برای موفقیت یا پولدار شدن جز کنکور دادن و ورود به دانشگاه وجود ندارد.

از فرار از سربازی تا گذران عمر

فرار از سربازی با ادامه تحصیلات، افزایش نرخ ارز و مصائب اقتصادی و منصرف شدن از تحصیلات عالی‌ه در خارج از کشور، به این دلیل، ادغام تعطیلی و عدم پذیرش دانشجو از سوی برخی دانشگاه‌ها خصوصاً دانشگاه‌های غیرانتفاعی و گسیل داوطلبان برای قبولی در سایر دانشگاه‌ها، افزایش شهریه‌ها و تورم وسیع در قبولی در یکی از دانشگاه‌های دولتی و غیرپولی به خاطر این موضوع، مساله اشتغال و دل‌سپردگی نسبت به این موضوع که با تحصیل پاره‌ا اشتغال هموار می‌شود یا زمان می‌گذرد و ممکن است در وضعیت اشتغال اقتصاد کشور تغییر ایجاد شود، آخرین فرصت نظام‌قدیمی‌ها برای تجربه کنکور یا مقتضیات تحصیلی خودشان و... همه موضوعات و مصادیقی است که به کرات و به‌عنوان علل افزایش تعداد داوطلبان کنکور سراسری در سال ۹۸ اعلام می‌شود.
اما با این وجود نمی‌شود سهم همه اینها را به قدری بالا دانست که با وجود جریان عظیم مخالفت با کنکور و مسائل مربوط به حذف و... منجر به رشد قابل‌توجه تعداد داوطلبان شود.
بنابراین این مسائل شاید بخشی از پاسخ به چرایی رشد تعداد داوطلبان باشد، اما همه‌اش نیست و باید به دنبال دلایل محکم‌تر و مستدل‌تری بود.

صداوسیما مردم را به این مسابقه نابرابر دعوت می‌کند



حلقه سیاست‌گذاران این حوزه بوده است. بطحایی درباره همین موضوع به «فرهیختگان» گفت: «در پاسخ به این سوال که چرا خانواده‌ها راهی جز ورود به دانشگاه برای رسیدن به موفقیت در آینده برای فرزندان خود متصور نیستند باید عرض کنم متأسفانه یکی از مهم‌ترین دلایل آن سيطرة ادامه‌تحصیل در دوره‌های آموزشی عالی است که بر فضای غالب کشور، افکار عمومی و باور خانواده‌ها حاطه پیدا کرده است. البته نظام آموزش و پرورش هم در ایجاد و تقویت این فضا بی‌تقصیر نیست. یعنی برنامه‌های درسی و آموزشی‌ما، به‌ویژه در متوسطه دوم، همه هدف خود را معطوف بر ورود بچه‌ها، فارغ‌التحصیلان به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کرده‌اند. به همین دلیل به تعبیر برنامه‌ریزان درسی همه سید یادگیری بچه‌ها به‌ویژه در دوره متوسطه، ملموزاً از موخته‌هایی

است که آنها را آماده کند برای ورود به دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی عالی. در کنار این موضوع، متأسفانه اگر خوشبینانه بخواهم عرض کنم باید بگویم ناخواسته، اما اگر بخواهم بدبینانه به موضوع نگاه کنم باید بگویم تعدمی در آن بوده است که ما را از سایر اهداف پرورشی و تربیتی، آماده کردن بچه‌ها برای زندگی در جامعه، چه محیط‌های اجتماعی و چه نیازهای فردی‌شان دور کرده، یعنی متأسفانه بچه‌ها در دوره‌های تحصیل، به دلیلی که عرض کردم، همه انرژی و توان‌شان صرف یادگیری مفاهیمی می‌شود که آنها را برای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی آماده کند. از این‌رو از سایر مهارت‌ها و دانش‌ها، غافل می‌شوند و ما امکانات لازم را برایشان فراهم نمی‌کنیم. به همین دلیل است که غالباً بچه‌های ما بعد از فارغ‌التحصیلی از دبیرستان، اگر نتوانند وارد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی شوند، متأسفانه از مهارت‌های لازم برای زندگی کردن بی‌بهره هستند.»

نظام پرداخت موجود دانش‌آموز را به بز شکی سوق می‌دهد

بطحایی در پاسخ به این سوال که نگاه پولی خانواده‌ها به آینده فرزندان‌شان، فضای اقتصادی جامعه ما مشخصاً در گرایش دانش‌آموزان به برخی رشته‌های خاص و پر درآمد اثر گذار بوده، نگاه شما به این موضوع چطور است و راهکار نظام آموزشی در این باره چه بوده است؟ گفت: «فرمایش شما هم یکی از عوامل عدیده‌بروز این اتفاق است. متأسفانه‌ما در نظام درآمدی مردم و مشاغل مختلف، کمتر به رویکرد سیستمی توجه کرده‌ایم. یک روز طرح تحول سلامت

را درست تشخیص می‌دهند و بوی پول خوب به مشام می‌رسد، معلوم است در پزشکی پول بیشتری است. درست است خیلی‌ها با من مخالفت می‌کنند و می‌گویند نه مثلاً این حرف‌ها چیست و ما پزشک‌مان سه ماه است حقوق نگرفته در فلان منطقه، ولی حقوق هر ماهش ۱۵ میلیون تومان بوده است و سه تا ۱۵ میلیون تومان از دولت طلبکار است. شما یک اقتصاد سیاسی درست کردید که مرکز آن پول و سرمایه است و آن را تقویت هم می‌کنید و به مردم می‌گویید دنبال پول نباشند، دنبال پزشکی، وکالت و... نزنند، اینکه منطقی ندارد. شما زمانی که اقتصاد سیاسی و توزیع درآمد را درست کردید و اجازه ندادید ۲/۵ میلیون خانه خالی توسط بسازوبفروش‌ها در کشور ایجاد شود و از آنها مالیات گرفتید، آن وقت مردم هم می‌گویند ما حالا وارد رشته‌ای می‌شویم که تخصص در آن مهم باشد. امروز شما در وضعیتی گیر کردید که پزشکی تبدیل به کاسبی شده است. نظام درمان، نظامی است که مریض در آن مشتری است. وقتی مریض مشتری است، وقتی به جامعه می‌گویید دنبال پول باش. نتیجه می‌شود اینکه نظام درمانی تعداد ورودی‌ها را محدود می‌کند تا دست زیاد نشود، چون این حکم یک دکان را دارد، هرچایی که بشود دکان درست کرد، چه پزشکی، چه وکالت، چه روانشناسی و... که مریض، دانشجو و دانش‌آموز مشتری است، یعنی داریم ارزش پول را در حلق مردم فرو می‌کنیم. از طریق این سیاست‌های نولیبرال ارزش پول را به مهم‌ترین محور زندگی مردم تبدیل می‌کنیم و بعد به مردم می‌گوییم درست است که موفقیت و پول از طریق مدرسه غیردولتی به دست می‌آید اما شما دنبال پول نباشید و بروید فلان رشته را بخوانید. این خیلی مسخره است.»

باید نظام توزیع درآمد اصلاح شود

حسینی با اشاره به نظام نابرابر توزیع درآمد گفت: نظام درمان می‌آید ورودی‌ها را محدود می‌کند تا در این دکان درمان خوب پولسازی کند. وزیر بهداشت می‌گوید ما تعرفه‌ها را زیاد کردیم که زیرمیزی بگیرند و این درحالی است که همچنان زیرمیزی وجود دارد. زیرمیزی حاصل افزایش و کاهش تعرفه نیست بلکه حاصل این است که مریض مشتری است. من به بیمارستان دولتی تهران رفته‌ام. پزشک ۱۵ عمل جراحی قلب در روز می‌کند، در حالی که ۱۵ موتورسیکلت را نمی‌شود در روز تعمیر کرد! این برای این است که بیمار مشتری است و پول مهم‌ترین ارزش اجتماعی است. آن وقت به جامعه‌ای که مدام به آن پیام می‌دهیم پول مهم‌ترین ارزش اجتماعی است، می‌گوییم شما به فکر پول نباش و این معنی ندارد. هر اقتصاد سیاسی یک فرهنگی تولید می‌کند. در اقتصاد سیاسی‌ای که ۷۰ درصد خدمات بسازوبفروش و پزشک کاسب و مدرسه غیرانتفاعی کاسب و... است طبیعتاً از مردمش هم نمی‌شود توقع داشت دنبال پول نباشند و نزنند. ما باید به فکر اصلاح نظام توزیع درآمد

جامعه



ابوالقاسم رحمانی

روزنامه‌نگار

همین چند روز پیش، یعنی روز کنکور، چند نفر از همکاران‌مان رفتند حوالی حوزه‌های برگزار ی کنکور در دو منطقه تهران؛ یکی حاشیه پایتخت، یعنی حوالی اسلامشهر و یکی هم مرکز شهر، حوالی دانشگاه امیر کبیر و از خانواده‌های دانش‌آموزانی که کنکور داشتند و حتی

دانش‌آموزانی که بعد از کنکور از حوزه بیرون آمده بودند، سوالاتی پرسیدند در ارتباط با هزینه‌کرد آنها برای کنکور و ورود به دانشگاه. حاشیه‌نشین‌ها و دانش‌آموزان اسلامشهری سقف هزینه‌کردهایشان را ۵۰۰ هزار تومان تا یک‌میلیون تومان عنوان می‌کردند (با بیان این قید و جمله که خیلی زیاد خرج کرده‌اند). مرکز شهری‌ها و شمال‌نشین‌ها هم سقف هزینه‌کردهایشان را تا ۸۰۰۷۰ میلیون تومان و بالاتر گفتند. با توجه به این تفاوت در هزینه‌کردها هدف مور‌نظر هر دو گروه یکسان بود. یعنی هم دسته اول و انتهایی که یک صدم دسته دوم هزینه‌کردند و هم دسته دوم که صدبرابر دسته اول هزینه‌کردند، می‌خواستند دست‌کم دکتر شوند و مقاضی‌علوم تجربی بودند یا در بدترین حالت رویای دوم خانواده‌هایشان، یعنی مهندس شدن را عملی کنند. اما احتمالاً آن دسته‌اولی هنوز در جریان هزینه‌کرد چند صدمیلیونی نبود و اگر بود، توان هزینه بیشتر نداشت، هر چه بود کنکور ۹۸ هم تمام شد و نتیجه‌ای که داشت، شاید بتوان در یک جمله نوشت و آن هم اینکه، هنوز خانواده‌ها و دانش‌آموزان، راهی جز ورود به دانشگاه از فیلتر کنکور را برای موفقیت یا پولدار شدن نمی‌بینند. این جمله البته حاشیه‌ها و تکمله‌های بسیاری دارد و می‌شود صفحه‌ها قید و بند به آن اضافه کرد اما عجالتاً همین باشد محور ادامه گزارش، تا بعد.

مافیای کنکور و پیاده‌نظام آنها در دستگاه‌ها مشوق گرایش به کنکور

علیرضا سلیمی، عضو هیات‌رتیسه کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی اولین نفری بود که در ارتباط با رشد تعداد داوطلبان آزمون سراسری سال ۹۸، علی‌رغم تمام‌اخبار موجود مبنی بر حذف و عدم استقبال از کنکور با«فرهیختگان» گفت‌وگو کرد و گفت: «در ارتباط با کنکور واقعیت این است که قانون شفاف است. دولت متأسفانه قانون حذف کنکور، ساختارها و زیرساخت‌های آن رافراهم نکرد. این واقعیت درناتکی است. به‌هر شکل مافیای عجیبی در بحث کنکور شکل گرفته‌است. درآمد‌های چند هزار میلیاردی برای یکی‌سری موسسات و واسطه‌هایشان ایجاد شده‌است. این مافیای چتر خودش را باز کرده و به‌شدت دنبال یارگیری و کشیدن افراد زیر این چتر است تا مقابل‌های با کنکور صورت‌نگیرد. پیاده‌نظام آنها در دستگاه‌های مختلف هم کمک‌شان می‌کند. نکته‌دیگر اما این است که وقتی ما سازوکار جدیدی برای جایگزینی کنکور تعریف نکردیم، افراد مسیر دیگری برای ورود به دانشگاه نمی‌شناسند، خصوصاً در بخشی از رشته‌ها و دانشگاه‌ها. الان ورود به برخی دانشگاه‌ها ورشته‌ها موانعی ندارد، اما آیا آن رشته بازار کار دارد؟ علاقه‌مند دارد؟ بنابراین فیلتری برای ورود به بعضی از رشته‌ها و دانشگاه‌ها جز کنکور وجود ندارد، چون مخاطبان بسیاری دارند و نمی‌شود که همه آنها وارد این رشته و دانشگاه شوند. افزایش داوطلبان هم موضوعی طبیعی است. به نظر می‌رسد این افزایش به نفع دانشگاه‌هایی است که چند سالی است به سختی تفسف کرده و حیات داشته‌اند. وزارت علوم می‌تواند اجازه بدهد سایر دانشگاه‌های غیردولتی هم نفس بگیرند! این دانشگاه‌ها هزاران عضوهایت‌علمی دارند و هزینه‌های چند هزار میلیاردی زیرساختی و توسعه را به اقصى نقاط کشور برده‌اند. وزارت علوم باید کمک کند تا این دانشگاه‌ها از این بحران خارج شوند!

برای رفع یک‌سری از نیازها راه‌اندازی می‌شود، غافل از اینکه وقتی که نظام پرداخت‌ها را برای بخشی از جامعه سلامت کشور به‌شدت افزایش می‌دهیم، تاثیر سیستمی و عملی‌شان را بر سایر بخش‌ها به جای می‌گذارم. اتفاقی می‌فرمایم، می‌افتد، یعنی وقتی من به‌عنوان اولیای دانش‌آموز و خانواده می‌بینم زمانی که بچه من پزشک بشود حقوق خیلی متفاوتی دارد تا زمانی که شغل دیگری حتی هم‌تراز پزشکی داشته باشد مثلاً وکیل بخواهد بشود یا یک مهندس کارکشته‌سرنشاس و متخصص در کشور تمام‌تالش‌م‌رامی‌کنم تا فرزندم در رشته پزشکی وارد شود. در این تلاش، شخصیت، روحیه، رفتار، تمام فعل و افعال بچه‌ام را فدا می‌کنم تا وارد دانشگاه پزشکی بشود. ما نمی‌توانیم فقط در نظام آموزشی دنبال این عوامل بگردیم، بلکه عوامل تصمیم‌گیری دیگری هم وجود دارند. به ریشه اصلی آنها را همان‌طور که عرض کردم، باید در تصمیم‌گیری‌ها و رویکردهای سیستمی جست‌وجو کرد که کمتر مورد توجه قرار گرفته است.»
وزیر سابق آموزش و پرورش در واکنش به این موضوع که مافیای کنکور و موسسات آموزشی غیردولتی در داغ کردن تنور کنکور و عدم‌بسط‌عدالت آموزشی نقش ویژه دارند، گفت: «بله. همین‌طور است. به هر حال درآمد‌های کاذبی‌که از داغ کردن تنور کنکور برای یک عده ایجاد می‌شود، خیلی موثر است، همان‌طور که اشاره کردید تبلیغات بسیار کاذبی که توسط موسسه‌ها و بعضی از ناشران در فضای عمومی جامعه پخش می‌شود، ناخواسته یک رقابتی را ایجاد می‌کند، یعنی افراد را ترغیب می‌کند به ورود یک رقابت. جالب اینجاست! حتی طبقه فرهیخته و تحصیلکرده‌ای که خودشان واقف

کشور باشیم تا معنای افزایش تعداد داوطلبان کنکور عوض شود، یعنی روزی که شما به جای حقوق ۵۸۰ هزار تومانی به معلم پنج‌میلیون تومان پرداخت کردید و به پزشک ۱۵ میلیون تومان و فاصله درمانی این مقدار شد، آن وقت می‌توانید بگویید مردم نمی‌روند رشته پزشکی و... ولی وقتی به پزشک ۱۷ میلیون تومان می‌دهید و به معلم خرید خدمت ۵۸۰ هزار تومان، مردم هم با منطق شما عمل می‌کنند و سمت پزشکی می‌روند. شما زدید بر سر معلم

و آن را تحقیر کردید و پزشک سرمایه‌دار را تبدیل کردید به محور عالم امکان، پس کار و پیام فرهنگی بدون پایه اقتصادی خنده‌دار است. زمانی می‌توانیم به مردم بگوییم که نروید پشت کنکور پزشکی و خودتان را کنترل کنید که فاصله درآمدی معلم و پزشک را کم کرده باشیم.»

مجلس تحت‌تاثیر نظام سرمایه است

مجید حسینی در ادامه در پاسخ به اظهارات علیرضا سلیمی، نماینده مجلس شورای اسلامی گفت: «ما چرا فقط موسسات کنکور و مافیای کنکور را مثال می‌زنیم، البته این حرف درستی است که این موسسات در وضع موجود مقصردند، اما محل‌اتکا برای اصلاح وضع موجود همان مجلس است که آقای سلیمی می‌گوید نمی‌شود و نمی‌توانیم. چرا نمی‌شود و نمی‌توانند؟ چون همان مجلس هم تحت‌تاثیر نظام سرمایه است. مجلس لایحه حذف کنکور را دهه ۸۰ گذارنده است. محکم پای آن بایستد و اجرا کند. چرا موسسات کنکور فقط عنوان می‌شوند، موسسات زبان را بگویید، موسسات زبان، موسسات کامپیوتر و... اینها همه دارند در نظام آموزشی ایران از مردم پول می‌گیرند. ما ۸۹۰ موسسه زبان در کشور داریم، برای چه؟ برای اینکه شما ۶ سال زبان در مدرسه بخوانید، هیچی یاد نگیرید و زبان در کنکور منفی ۱۰ درصد بزیند (فراوانی‌های کنکور را ببینید). یعنی شما مدرسه‌بروید زبان بخوانید منفی ۱۰ می‌زنید، مدرسه نروید، زبان نتخوانید صفر می‌زنید. این ساختار آموزش زبان شماست با ۸۹۰ آموزشگاه که همان معلمی که در مدرسه بد تدریس می‌کند، در اینجا خوب تدریس می‌کند و مردم به او پول بدهند. همان مجلس مسئول این است که بیاید و بایستد و نظام سرمایه‌ای که آموزش و پرورش را در تربیت تکه‌تکه می‌کند. آموزشگاه‌های زبان و... ای‌که سبک زندگی غیرایران‌راترویج می‌کنند، سیستم مصرف‌گرا را توسعه می‌دهند، موسسات مافیای کنکوری که از این مملکت کاغذ دولتی می‌گیرند به ضرر مردم ایران کار می‌کنند، رسیدگی کنید. این کار مجلس است، چرا مجلس نمی‌تواند مقابل سرمایه‌داری رانتی بایستد؟ اگر نمایندگان مردم نتوانند بایستند چه کسی می‌تواند بایستد. خنده‌دار است، من با وزیر آموزش و پرورش جلسه گذاشتم و گفتم شرایط است، گفت بله شما رتیم، زبان نتخوانید صفر می‌زنید. این ساختار آموزش زبان مقابله با مافیا را نداریم، گفتم پس چطور می‌توانید مصوبه تاسیس مدرسه

به آثار و پیامد‌های سوء این رفتار هستند، هم فرزندان‌شان را می‌آورد پشت خط مسابقه و در این مسابقه بسیار ناخوانم‌دانه، خطرناک و نابرابر شرکت می‌دهند. عامل اصلی این است که شما می‌بینید هر کانالی را که باز می‌کنید، در حال تشویق افراد است و اینکه بچه‌های‌تان را بفرستید به این کلاس و آن کلاس، کتاب کمک‌درسی تهیه کنید و... همین باعث می‌شود افراد ناخواسته در درون‌شان بگویند نکند بچه‌های ما در این مسابقه عقب بیفتند و خلاصه تحت‌فشار قرار می‌گیرند. به‌عنوان مثال باید بگویم ما معلم‌ها و آموزش و پرورش‌ی‌ها معتقد هستیم کلاس‌های کمک‌آموزشی و آمادگی کنکور و کتاب‌های کمک‌درسی، نقش یک مسکن و دارو را دارند که فقط برای افراد خاصی که دچار اختلال یادگیری هستند، باید تجویز بشوند. شما هیچ دارویی را اجازه نمی‌دهید که تبلیغ بکنند، شما در صدا و سیما تبلیغ فلان آنتی‌بیوتیک و فلان مسکن را مشاهده نمی‌کنید و ممنوع است. این کتاب‌ها و این کلاس‌ها هم به دلیل تاثیرات بسیار مخربی که می‌توانند روی شخصیت، روحیه و فضای علم و دانش و درحقیقت کارآفرینی کشور به جای بگذارند، باید ممنوع بشود، مگر برای مواردی که بچه‌ها بنا به دلایل خاص، مشکلائی را داشته‌اند و حالا باید در فلان کلاس شرکت کنند که آن هم باید توسط متخصصان تجویز شود که شما فلان کلاس، فلان کتاب و فلان دوره‌ها را باید طی کنید تا این مشکل برطرف شود. واقعا یک بسیج عمومی افکار کشور را می‌طلبید و خانواده‌ها باید به یک بلوغ فرهنگی و فکری برسند.»

غیرانتفاعی را صادر کنید؟! مساله این است که هر ساختار اقتصاد سیاسی فرهنگ خودش را دارد، با کار فرهنگی صرف درصورتی که در اقتصاد خرابکاری شده است، فقط فرهنگ بی‌معنا می‌شود و اتفاق خاصی نمی‌افتد.»

اقتصاد سیاسی و فرهنگ عمومی را باید با هم نقد و اصلاح کرد

عضو هیات‌علمی دانشگاه تهران در پایان گفت: «خانواده تحت‌تاثیر اینکه موفقیت یعنی پول، فرزند خود را به سمت رشته‌های خاص می‌فرستد. به خانواده‌می‌شود این پیام را داد که موفقیت پول نیست، می‌شود پیش‌فرض‌های سرمایه‌داری در طبقه متوسط را مورد حمله قرار داد، یعنی خانواده حتما مقصر است، چون اولین منطق موفقیت یعنی پول را پذیرفته است و وقتی این منطق را بپذیرید دیگر هیچ راهی جز قبولی در پزشکی ندارید. اما خانواده می‌تواند این منطق را نپذیرد و فرزندش را نابود نکند، چون او در این چرخه نابود می‌شود، چه به پول برسد، چه نرسد، که البته نمی‌رسد. و یک درصد با این دکانی‌ای که در نظام پزشکی ایجاد شده و با این محدودیه‌های ورود پزشک می‌شوند و الحاق بی‌پشتکار می‌توانند این اسطوره‌های مطرح طبقه متوسط را نپذیرد. من به‌عنوان کسی که از زاویه اقتصاد سیاسی حرف می‌زنم، معتقدم تا ساختار اقتصاد سیاسی اصلاح نشود کار فرهنگی هم معنای زیادی نخواهد داشت. تا دکان پزشکی سرمایه‌دار و... اصلاح درآمد نشود، شما هم به صورت عمیق نمی‌توانید کنکور پزشکی را اصلاح کنید. ما به‌ازای هر ۱۰ هزار نفر در روسیه ۴۳ پزشک و به ازای هر ۱۰ هزار نفر در ایران ۱۱ پزشک داریم؟ این یعنی انحصار، انحصار برای بازار است، بازار انحصار را ایجاد می‌کند. رزیدنت‌ها را تحت‌فشار شدید در بیمارستان‌ها قرار می‌دهند، بیمارستانی که باید ۱۰ رزیدنت داشته باشد، ۶ رزیدنت دارد تا دست زیاد نشود. چند وقت پیش یک رزیدنت زیرفشار کار مرد. این یعنی شما بدبختی بکشید تا انحصار از بین نرود، بعد رزیدنت‌ها هم راضی هستند، می‌گویند حالا فشار را تحمل می‌کنیم چون آینده داریم. اگر ۱۰ رزیدنت باشند باید به حقوق کمتر قناعت کنیم. درنهایت باید این را بگویم که یک‌سوی اصلاح، تغییر و اصلاح اقتصاد سیاسی است و آن سوی دیگر نقد فرهنگی است که در طبقات متوسط شکل می‌گیرد و برای اصلاح باید این دو هم‌زمان مورد نقد قرار بگیرند، چون هرکدام اصلاح شوند و آن یکی نشود، اتفاق خاصی نمی‌افتد. باید به مردم گفت در جامعه برابر می‌شود به خوشبختی رسید؛ وقتی این را یک‌سو به مردم بگوییم و از سوی دیگر به این‌توانیم ساختار اقتصاد سیاسی را نقد و آن را اصلاح کنیم. البته به نظر من این ساختار‌های پول‌محور دچار بحران هستند، صدلی‌های مرکزی پولی به سمت خالی شدن در حرکتند و اینجا ساختار مجبور به تغییر خواهد شد، حتی اگر خودش مقاومت کند این پایان بازی پول خواهد بود.»